

An Analytical Study of the Components of Qur'anic Discourse in Explaining the Fight Against Hypocrisy in Improving Community Health

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Aurhors

Rajabi, R.¹,
Sadeghi Nairi, R.^{*2},
Abdolrahimi, A.³

How to cite this article

Rajabi, R., Sadeghi Nairi, R.²Abdolrahimi, A.³ An Analytical Study of the Components of Qur'anic Discourse in Explaining the Fight Against Hypocrisy in Improving Community Health. Journal of Quran and medicine, 2019:3(3): 20-29

ABSTRACT

The present study aims to examine the discourse making of the Qur'an in relation to hypocrisy so that it can be used to adapt the "old hypocrisy" to the "hypocrisy of today" to avoid the phenomenon of hypocrisy in the present age, as it will change the outlook on society and create a new culture. And to institutionalize something, it is necessary to make the discourse first, then it needs to be cultured and implemented. The research is a descriptive and analytical documentary study. According to the discourse's findings, the design of the identified social desires is based on the teachings of the Qur'an in order to preserve the Qur'anic values and norms in society and to become a religious thought in the popular literature of society and people's lives. In comparing today's hypocrisy with the Qur'anic discourse, it has also become clear that the Qur'anic discourse is a gradual way of dealing with the hypocrisy, the first principle in dealing with the enemy is antiquarianism, and what plays an important and crucial role after knowing the enemy in intelligent defense is to know the ways to deal with it that one must turn to the Qur'an to learn these methods.

Keywords: Discourse Making, Hypocrisy, Holy Qur'an, Health

¹Department of Qur'an and Hadith Sciences, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

²Department of Qur'an and Hadith Sciences, Tabriz Branch, Shahid Madani University, Tabriz, Iran. (Corresponding Author)

³Department of Qur'an and Hadith Sciences, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

* Correspondence:

Address: ²Department of Qur'an and Hadith Sciences, Tabriz Branch, Shahid Madani University, Tabriz, Iran. (Corresponding Author)

Phone:

Article History

Received: November 28, 2019

Accepted: January 28, 2019

ePublished: September 22, 2019

بررسی تحلیلی مؤلفه‌های گفت‌مان قرآنی در تبیین مبارزه با نفاق در راستای ارتقای سلامت جامعه

رقبه رجبی

گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

رقبه صادقی نیری*

گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تبریز، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

علیرضا عبدالرحیمی

گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی گفت‌مان‌سازی قرآن در رابطه با نفاق است تا با بهره‌گیری از آن بتوان ضمن تطبیق «نفاق کهن» بر «نفاق امروزی» از پدیده نفاق در عصر حاضر اجتناب کرد؛ چرا که برای تغییر دیدگاهی در جامعه و ایجاد فرهنگی جدید و نهادینه کردن امری، به گفت‌مان‌سازی در مرحله اول و سپس فرهنگ‌سازی و اجرایی کردن آن نیاز است. روش پژوهش اسنادی است که به شیوه توصیفی و تحلیلی انجام گرفته است. بر اساس یافته‌ها گفت‌مان‌سازی، طراحی مطلوبیت‌های اجتماعی تشخیص داده شده بنا بر آموزه‌های قرآن است تا ارزش‌ها و هنجارهای قرآنی در جامعه حفظ شود و یک اندیشه دینی به ادبیات رایج جامعه و زندگی مردم تبدیل شود. در تطبیق نفاق امروزی با گفت‌مان قرآن نیز مشخص شد که گفت‌مان‌سازی قرآن برای مبارزه با نفاق روشی تدریجی است که اصل اول در برخورد با دشمن، دشمن‌شناسی است و آنچه بعد از شناخت دشمن در دفاع هوشمندانه نقش مهم و اساسی را ایفا می‌کند، شناخت راه‌های مقابله با آن است که باید برای آموختن این شیوه‌ها به قرآن روی آورد.

واژگان کلیدی: گفت‌مان‌سازی، نفاق، قرآن، سلامت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۸

* نویسنده مسئول

مقدمه

از ویژگی‌های مهم جریان نفاق، پیچیده بودن آن و پوشیده بودن چهره‌ی واقعی منافقان است. منافقان با تظاهر به اسلام، به‌صورت فردی یا تشکیلاتی، جهت سست کردن پایه‌های دین و انهدام آن، سعی در این دارند که در دین مسلمانان تردید ایجاد کرده و میانشان تفرقه بیافکنند؛ بنابراین زمانی که غبار نفاق فضای جامعه را آلوده کرده، مسلمانان لازم است هوشیار باشند تا فریب ظواهر منافقان را نخورند. باید توجه داشت روح آدمی نیز مانند جسم او گرفتار انواع بیماری‌ها می‌گردد و برای سلامتی و درمان آن باید دست به دامان پزشکان شود و از داروهای ویژه‌ی بیماری‌های اخلاقی بهره‌مند گردد تا روح او پرنشاط و سالم گردد. قابل توجه است که در ۱۲ آیه‌ی قرآن کریم، از بیماری‌های اخلاقی و روحی تعبیر به مرض شده است از جمله در آیه ۱۰ سوره بقره، از صفت رذیله‌ی نفاق به‌عنوان بیماری یاد شده و درباره منافقان می‌فرماید: «فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً»؛ در دل‌های آن‌ها نوعی بیماری است و خداوند (به خاطر اصرارشان بر گناه و نفاق) بر بیماری آن‌ها می‌افزاید. در بسیاری از روایات اسلامی از رذایل اخلاقی تعبیر به «داء» که به مفهوم بیماری‌ست شده؛ مثلاً، در خطبه ۱۷۶ نهج‌البلغه، درباره قرآن می‌فرماید: «فاستشفوه من ادوائکم ... فان فیہ شفاء من اکبر الداء وهو الکفر والنفاق والغبی والضلال»؛ از قرآن

برای شفا‌ی بیماری‌های خود کمک بطلبید، زیرا در قرآن، شفا‌ی بزرگترین بیماری‌ها، یعنی کفر و نفاق و گمراهی و ضلالت است». از آنجا که فضائل و رذایل اخلاقی به‌عنوان نشانه‌های سلامت روح انسان یا بیماری آن معرفی می‌شود، پیامبران الهی و پیشوایان معصوم و همچنین معلمان اخلاق، طبیبان روحانی و دستورات آن‌ها داروهای شفا‌بخش هستند.

و بر این اساس، همان‌گونه که در طب جسمانی علاوه بر دارو، پرهیزهایی هم برای رسیدن به بهبودی کامل لازم است، در طب روحانی و اخلاقی نیز پرهیز از دوستان فاسد، محیط آلوده و تمام اموری که به پیشرفت مفاسد اخلاقی در وجود انسان کمک می‌کند، ضرورت دارد.

در طب جسمانی گاه نیاز به جراحی می‌افتد و طبیب جراح با چاقوی جراحی به درمان بیمار می‌پردازد، در طب روحانی نیز چنین مواردی پیش‌بینی شده است؛ حدود و تعزیرات و مجازات گوناگون در برابر پاره‌ای از اعمال منافی اخلاق نیز به منزله جراحی است.

در طب جسمانی دو مرحله مشخص ترسیم شده، طب پیش‌گیری و طب درمانی که معمولاً از اولی به‌عنوان بهداشت و از دومی به‌عنوان درمان تعبیر می‌کنند، در طب روحانی و اخلاقی نیز همین دو مرحله وجود دارد و معلمان اخلاق از یک‌سو برای درمان آلودگان برنامه‌ریزی می‌کنند؛ و از سوی دیگر، برای پیش‌گیری از آلودگی سالم‌ان.

در طب جسمانی، یک رشته دستوره‌های کلی برای درمان بیماری‌ها است و یک رشته دستورهایی که ویژه هر یک از بیماری‌ها می‌باشد؛ در طب روحانی نیز همین‌گونه است؛ توبه، ذکر خدا، نماز و روزه و عبادات دیگر و محاسبه و مراقبه، اصول کلی درمانند؛ و در هر یک از بیماری‌های اخلاقی نیز دستوره‌های ویژه‌ای در روایات اسلامی و کتب اخلاقی وارد شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۵/۱)

به همین علت در این مقاله آیات مربوط به نفاق به ترتیب نزول طبقه‌بندی و مورد بررسی قرار گرفته است چرا که سؤال اصلی این است که گفت‌مان‌سازی قرآن در جهت مبارزه با نفاق برای تربیت یک جامعه‌ی سالم چگونه است؟ مقاله حاضر تلاشی است در جهت پاسخگویی به سؤال مهم فوق که با استناد و تأمل در آیات قرآن به انجام رسیده است.

ادبیات نظری تحقیق

به لحاظ اینکه ممکن است در طول بحث نیازی به کاربرد اولیه مفاهیم به کار رفته در مقاله باشد، در آغاز نگاهی داریم به خاستگاه واژگانی مفاهیم کلیدی.

گفت‌مان در لغت و اصطلاح: گفت‌مان از واژه فرانسوی Discourse و لاتین Discursus به معنی گفتگو، محاوره، گفتار و از واژه Discurrer به معنای طفره رفتن، از سر باز کردن، تعلل ورزیدن گرفته شده است. این اصطلاح در فارسی در معادلهای دیگری همچون مقال، سخن، گفتار به کار رفته است. (آقاگل‌زاده، ۲۵) گفت‌مان، ارائه‌ی فکری منسجم، منظم و قابل دفاع مبتنی بر فرهنگ و اعتقادات یک جامعه می‌باشد که از سوی یک رهبر یا فعال سیاسی یا فرهنگی با توجه به فضا و شرایط خاص جامعه تبیین می‌گردد و محور فعالیت‌ها و جهت‌گیری‌ها قرار می‌گیرد و بر سرنوشت جامعه و مردم تأثیر می‌گذارد و رفتارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خاصی را شکل می‌دهد.

جدول ۲: آیات مدنی مربوط به نفاق به ترتیب نزول

ردیف	نام سوره	آیات مربوط به نفاق	سال نزول آیه
۱	احزاب	۴۸-۱	سال ۶ بعثت
۲	بقره	۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸ ۲۰۶-۲۰۵-۲۰۴	سال ۸ بعثت
۳	نور	۵۴-۵۳-۵۰-۴۹-۴۸-۴۷	سال ۱۰ بعثت
۴	حج	۵۳	سال ۱۰ بعثت
۵	محمد	۲۵-۲۴-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰ ۳۱-۳۰-۲۹-۲۸-۲۷-۲۶	سال ۱ هجرت
۶	انفال	۴۹	سال ۲ هجرت
۷	صف	۳-۲	سال ۲ هجرت
۸	منافقون	۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	سال ۳ هجرت
۹	حشر	۱۲-۱۱	سال ۴ هجرت
۱۰	توبه	۴۳-۴۲-۴۱-۴۰-۳۹-۳۸ ۴۹-۴۸-۴۷-۴۶-۴۵-۴۴ ۵۵-۵۴-۵۳-۵۲-۵۱-۵۰ ۶۱-۶۰-۵۹-۵۸-۵۷-۵۶ ۶۷-۶۶-۶۵-۶۴-۶۳-۶۲ ۷۰-۶۹-۶۸	سال ۴ هجرت
۱۱	احزاب	۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳-۱۲ ۶۱-۶۰-۴۴-۴۰-۱۹-۱۸	سال ۵ هجرت
۱۲	حدید	۱۴-۱۳	سال ۵ هجرت
۱۳	نساء	۱۴۱-۱۴۰-۱۳۹-۱۳۸-۱۳۷ ۱۴۳-۱۴۲	سال ۶ هجرت
۱۴	فتح	۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹ ۱۶	سال ۷ هجرت
۱۵	مائده	۵۴-۵۳-۵۲-۵۱	سال ۷ هجرت
۱۶	توبه	۷۸-۷۷-۷۶-۷۵-۷۴-۷۳ ۸۴-۸۳-۸۲-۸۱-۸۰-۷۹ ۹۴-۹۳-۹۰-۸۷-۸۶-۸۵ ۱۰۷-۱۰۶-۹۸-۹۷-۹۶-۹۵ ۱۲۵-۱۲۴-۱۱۰-۱۰۹-۱۰۸ ۱۲۷-۱۲۶	سال ۷ هجرت
۱۷	نساء	۶۵-۶۴-۶۳-۶۲-۶۱-۶۰ ۸۳-۸۱-۷۸-۷۷-۷۴-۷۲ ۹۱-۹۰-۸۹-۸۸	سال ۸ هجرت
۱۸	مجادله	۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۸ ۲۲-۲۰	سال ۹ هجرت
۱۹	تحریم	۹	سال ۱۰ هجرت

قالب طرح در سور مدنی به صورت بیان داستان امت‌های پیشین، توصیف حال منافقان و تشریح احکام مربوط به نفاق است.

روش گفتمان‌سازی مبارزه با نفاق در قرآن

بر اساس این روش به بررسی مراحل می‌پردازیم که قرآن به‌وسیله آن به مبارزه با نفاق به روش گفتمان‌سازی پرداخته است. جهت تبدیل یک برنامه به ادبیات رایج مردم جامعه، نیاز به گفتمان‌سازی است که این گفتمان‌سازی نیازمند برنامه‌ریزی

گفتمان‌سازی: گفتمان‌سازی فرایندی است که در آن، نظریه‌ها و گفتمان‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی در زندگی مردم و جامعه جریان می‌یابد و تبدیل به ادبیات تک‌تک افراد جامعه می‌شود. از این رو لازم است برنامه‌ریزی دقیقی صورت بگیرد تا گفتمان‌های مورد نیاز جامعه به‌دقت مورد شناسایی و بررسی قرار گیرد. در این راستا باید از ابزارهای مناسب و آموزش استفاده شود چرا که گفتمان‌سازی اغلب زمان‌بر است. بر اساس این تعریف، گفتمان‌سازی در جهت مبارزه با نفاق به معنای جریانی است که طی آن بتوان نفاق را از جامعه حذف نمود و بنابراین برای انجام این منظور به شناخت و تبیین مسئله‌ی نفاق و توجه و تمرکز به روش‌های رساندن این مفهوم در مخاطب دارد تا بتوان مبارزه با پدیده نفاق را در جامعه گسترش داد.

نفاق در لغت و اصطلاح: در اشتقاق واژه «نفاق»، فرهنگ نویسان عربی دو وجه ذکر کرده‌اند. برخی نفاق را برگرفته از کلمه‌ی «نقق» به معنای «سوراخی در زمین که راه نجاتی به مکان دیگر دارد» می‌دانند و بعضی دیگر آن‌ها مشتق از کلمه‌ی «نافقاء» به معنای محلی از لانه موش، معنا کرده‌اند. در این محل خاص، موش زمین را از یک طرف سوراخ می‌کند به حدی که نزدیک است به قشر زمین برسد، ولی آن‌ها سوراخ نمی‌کند. (فراهیدی، ۱۸۲۵/۳). در واقع این حیوان در زمین دو سوراخ درست می‌کند، یکی سوراخ آشکار که از آنجا داخل لانه می‌شود؛ و عرب به آن «قاصعا» می‌گوید و دیگری سوراخ پنهان که از آن خارج می‌گردد و بدان «نافقاء» می‌گویند؛ قسمت «نافقاء» از لانه موش به ظاهر خاک است ولی درون آن گودی و فرورفتگی است. از همین روست که اهل لغت با توجه به این معنای لغوی، «نفاق» را از راهی و علتی دین را پذیرفتن و داخل شدن و دوباره بیرون رفتن از آن شریعت (تصمیم گرفتن)، معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۳۸۷/۳).

منافق: منافق کسی است که کفر خود را در دل پنهان می‌دارد ولی به زبان اظهار ایمان می‌نماید و همواره به دنبال فرصتی جهت ضربه زدن به مسلمانان و حکومت اسلامی است. (ابن فارس، ۴۵۴/۵)

هندسه‌ی طرح مسئله‌ی نفاق و گفتمان‌سازی آن در قرآن بر مبنای ترتیب نزول

برای دستیابی به روش قرآن در گفتمان‌سازی مبارزه با نفاق در عصر نزول، توجه به هندسه‌ی طرح این مقوله در قرآن بر مبنای ترتیب نزول سور حائز اهمیت است. آیات نفاق در نوزده سوره از سوره‌های قرآن آمده است. با قدری تأمل و تتبع در منابع و کتب تفسیری و تأمل در سیاق آیات به نظر می‌رسد این آیات را می‌توان در دو گروه آیات نازل شده در مکه و مدینه تقسیم کرد: طرح مسئله نفاق در سوره‌های مکی آغاز می‌شود. آیات نازل شده در مکه، به ترتیب نزول در جدول زیر آمده است:

جدول ۱: آیات مکی مربوط به نفاق به ترتیب نزول

ردیف	نام سوره	آیات مربوط به نفاق	سال نزول آیه
۱	معاون	۷-۶	سال ۲ بعثت
۲	مدثر	۳۱	سال ۸ بعثت
۳	عنکبوت	۱۱-۱۰-۴-۳	سال ۱۰ بعثت

قالب طرح در سوره‌های مکی، بیان اوصاف و صفات منافقان همچون، موعظه اخلاقی و ناپسند شمردن عمل نفاق است که به‌صورت ایجاد تزلزل و تردید در اندیشه منافقان انجام می‌گیرد. آیات نازل شده در مدینه، به ترتیب نزول در جدول زیر آمده است:

۱۶- خوشحالی بر مصیبت باایمانها و دلتنگی در شادی آنها: (این تُصِيبَكَ حَسَنَةً تَسُوهُمْ وَ إِن تُصِيبَكَ مُصِيبَةً يَأْتُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرًا مِن قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ)

بدون شک نشانه‌های منافق، منحصر به این‌ها نیست و از آیات دیگر قرآن و روایات اسلام، و نهج‌البلاغه نیز نشانه‌های متعدد دیگری برای آن‌ها استفاده می‌شود، حتی در معاشرت‌های روزمره می‌توان به اوصاف و ویژگی‌های دیگری از آن‌ها پی برد، ولی آنچه ذکر شده، قسمت مهم و قابل توجهی از این اوصاف است. (مکارم شیرازی، ۱۶۴/۲۴)

زمینه‌ها و بسترهای پیدایش نفاق از دیدگاه قرآن کریم عوامل مؤثر در پیدایش نفاق را با تدبر در آیات مربوط به منافقان می‌توان به موارد زیر تقسیم نمود:

طمع: یکی از عوامل مهمی که سبب قبول ظاهری اسلام می‌گردد انگیزه دست‌یابی به منافع مادی و دنیوی است. با بررسی آیات قرآن کریم ملاحظه می‌گردد که در مکه و پیش از هجرت، فرصت‌طلبانی که قدرت مسلمانان در مکه و علائم پیروزی آنان را مشاهده کردند برای اینکه در آینده خود را در مواضع قدرت نفوذ دهند اسلام را به صورت ظاهری پذیرفتند تا در تقاب دین به منافع مادی و کفرآمیزشان دست یابند. چنان‌که در آیات دهم و یازدهم سوره عنکبوت آمده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاء نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ. وَ لَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ؛ و از میان مردم کسانی اند که می‌گویند: به خدا ایمان آورده‌ایم و چون در [راه] آزار کشند آزمایش مردم را مانند عذاب خدا قرار می‌دهند و اگر از جانب پروردگارت باری رسد حتماً خواهند گفت: ما با شما بودیم آیا خدا به آنچه در دل‌های جهانیان است دانایتر نیست.»

در تفسیر این آیات آمده است: «خداوند متعال نیت منافقان را در ایمان آوردنشان روشن ساخته است اینکه آنان اظهار اسلام را وسیله‌ای برای رسیدن به آنچه از پیروزی مسلمانان انتظار داشتند، قرار دادند. پس خودشان را در معرض فواید و منافع چنین پیروزی می‌دیدند.» (ابن عاشور، ۱۴۱/۲۰)

سخن این مفسر نشان‌دهنده‌ی مؤثر واقع‌شدن عامل طمع در شکل‌گیری نفاق است.

همچنین عده‌ای به طمع بهره‌مندی از غنایم جنگی به دروغ به اسلام روی می‌آوردند تا از این طریق با دیگر مسلمانان سهم و شریک باشند. خداوند در آیه‌ی زیر از این روحیه منافقان خبر داده است:

«سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَى مَعَانِمِ لِنَأْخُذْهَا ذُرُوعًا وَ نَسَبَكُمْ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُل لَّنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِن قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَقْفَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا؛ چون [به قصد] گرفتن غنائم روانه شدید به‌زودی بر جای ماندگان خواهند گفت: بگذارید ما [هم] به دنبال شما بیاییم [این‌گونه] می‌خواهند کلام خدا را دگرگون کنند. بگو: هرگز از پی ما نخواهید آمد، آری خدا از پیش درباره شما چنین فرموده پس به‌زودی خواهند گفت: [نه] بلکه بر ما رشک می‌بردید [نه چنین است] بلکه جز اندکی در نمی‌یابند» (فتح: ۱۵)

است و دارای مراحل می‌باشد که باید به‌صورت گام‌به‌گام پیش برود. لازم است این نکته را در نظر داشته باشیم که مراحل گفتمان‌سازی قرآن که در ادامه خواهد آمد به‌هیچ‌عنوان جدا از هم و مقطعی نیستند یعنی این‌گونه نیست که مرحله‌ای به اتمام برسد و سپس مرحله‌ی بعدی آغاز شود. تمام این مراحل در راستای یکدیگر ادامه یافته‌اند.

تشخیص و مسئله‌شناسی

برای ایجاد تغییر در گفتمان حاکم در عصر نزول که نفاق است به شناخت دقت جامعه، شایسته و الزامات حاکم بر مردم آن جامعه نیاز است. مگر از رویه‌ها، مهم در صدر اسلام که اقداماتش سبب آشکار شدن منافقان بود. این‌ها شامل: علیه جامعه، نه‌باید، اسلام، در زمینه‌ها، مختلف دست به کار شدند. مراد لذا، سامان گام اسلام (ص) بیشتر در اوقات خود را صرف تعدیل این توطئه‌ها و دسسه‌ها می‌نمودند. اگر چه این‌ها بعد از هجرت سامان (ص) به مدینه انسجام بیشتر گرفت ولی شواهد گواه بر وجود نفاق در دوران مکی نیز می‌باشد. عمده روش‌هایی که برای روشن‌تر ساختن موضوع و تبیین مسئله نفاق صورت گرفت بدین شرح است:

نشانه‌ها، منافقان:

- ۱- دروغ‌گویی، صریح و آشکار: (وَ اللَّهُ بِشَهِيدٍ لِّزِيغَاتِ الْمُنافِقِينَ لَكَادِبُونَ)
- ۲- استفاده از سوگندهای دروغین برای گمراه ساختن مردم: (اتَّخَذُوا اٰيْمَانَهُمْ جُنَّةً)
- ۳- عدم درک واقعیات، بر اثر رها کردن آیین حق، بعد از شناخت آن: (لَا يَقْفَهُونَ)
- ۴- داشتن ظاهری آراسته و زبانی چرب، علی‌رغم تهی بودن درون و باطن: (وَ اِذَا رَأَوْهُمُ تَعْجَبُكَ اَجْسَامُهُمْ)
- ۵- بیهودگی در جامعه و عدم انعطاف در مقابل حق، همچون یک قطعه چوب خشک: (كَانَهُمْ خَشَبٌ مُّسْنَدَةٌ)
- ۶- بدگمانی و ترس و وحشت از هر حادثه و هر چیز به خاطر خائن بودن: (يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ)
- ۷- حق را به باد سخریه و استهزاء گرفتن: (لَوْ وَا رُؤْسُهُمْ)
- ۸- فسق و گناه: (اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ)
- ۹- خود را مالک همه چیز دانستن و دیگران را محتاج به خود پنداشتن: (هُمُ الَّذِيْنَ يَقُولُوْنَ لَا تَنْفِقُوْا عَلٰى مَنْ عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ حَتّٰى يَنْفِقُوْا)
- ۱۰- خود را عزیز و دیگران را ذلیل، تصور کردن: (لِيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ)
- ۱۱- دعوت مردم به منکرات و باز داشتن مردم از نیکی‌ها: (يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ)
- ۱۲- خودداری از انفاق: (وَ يَقْبِضُونَ اٰيٰدِيَهُمْ)
- ۱۳- فراموشی خدا: (نَسُوا اللّٰهَ فَنَسِيَهُمْ)
- ۱۴- تنبلی کردن در عبادات: (وَ اِذَا قَامُوْا اِلَى الصَّلٰوةِ قَامُوْا كَسَالٰى)
- ۱۵- ریا کاری: (يُرِءُوْنَ النَّاسَ)

ترس

یکی از عوامل دیگری که باعث پذیرش ظاهری اسلام و علنی نمودن کفر می‌شود، ترس از مال، جان و منافع مادی است. در این قسمت آیات بازگوکننده ترس منافقان را در قالب عناوین زیر دسته‌بندی نموده‌ایم:

(الف) خوف از مرگ:

«أَوْ كَصِيبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ؛ یا چون کسانی که در معرض رگباری از آسمان که در آن تاریکی‌ها و رعد و برقی است [قرار گرفته‌اند] از [نهیب] آذرخش [و] بیم مرگ سر انگشتان خود را در گوش‌هایشان نهند ولی خدا بر کافران احاطه دارد» (بقره: ۱۹)

در این آیه خداوند با مثالی، ترس منافقان از مرگ را به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد محیط زندگی آنان سراسر ترس، اضطراب، وحشت و نگرانی است.

در آیه‌ی ۲۰ سوره محمد نیز به این عامل اشاره شده است.

(ب) خوف از دست دادن مال:

«أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ آیا در دل‌هایشان بیماری است یا شک دارند یا از آن می‌ترسند که خدا و فرستاده‌اش بر آنان ستم ورزند؟ [نه] بلکه خودشان ستمکارند.» (نور: ۵۰)

به نقل از امام صادق (ع) در برخی روایات آمده است که نزاعی مالی میان علی (ع) و عثمان پیش آمد. پیشنهاد علی (ع) طرح و حل دعوا نزد پیامبر (ص) بود؛ اما عبدالرحمن بن عوف عثمان را از این کار نهی نمود. به این دلیل که علی (ع) پسرعموی پیامبر اکرم (ص) است و یقیناً داوری به نفع او تمام خواهد شد. (فیض کاشانی، ۴۴۲/۳)

با توجه به شأن نزول آیه، این‌گونه برداشت می‌شود که منافقان ترس از دست دادن اموالشان را داشتند؛ بنابراین همان‌طور که داوری غیر پیامبر (ص) را برای حفظ مال خود ترجیح می‌دهند با همین ملاک ممکن است تنها در مرحله زبان و ظاهر اسلام را اختیار کرده باشند.

(ج) خوف از رسوایی:

«وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ إِن يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خَشْبٌ مُسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ فَاتْلُوهُمُ اللَّهُ آتَى يُؤْفِكُونُ؛ و چون آنان را ببینی همکل‌هایشان تو را به تعجب و ا می‌دارد و چون سخن گویند به گفتارشان گوش فرا دهی گویی آنان شمعک‌هایی پشت بر دیوارند [که پوک شده و درخور اعتماد نیستند] هر فریادی را به زیان خویش می‌پندارند خودشان دشمن‌اند از آنان بپرهیز خدا بکشده‌شان تا کجا [از حقیقت] انحراف یافته‌اند» (منافقون: ۴)

چنانچه در این آیه اشاره شده، منافقان هر فریادی را بر ضد خود می‌پندارند و از سایه‌ی خود نیز هراسناک هستند! این ترس از رسوا شدن خود می‌تواند عامل مهمی برای اظهار دروغین اسلام باشد تا از هرگونه رسوایی در امان باشند. در سوره‌ی توبه آیه‌ی ۶۴ نیز به این عامل اشاره شده است.

داشتن تعصب

یکی از موانع بزرگ در پذیرش حقیقت، پافشاری بی‌دلیل بر عقیده‌ای خاص می‌باشد که می‌تواند شخص دارای این ویژگی را گرفتار نفاق نماید. نفاق ورزی برخی اهل کتاب (یهود) نمونه چنین تعصبی می‌باشد که جهت ایجاد تردید در مسلمانان، هنگام صبح، به ظاهر ایمان می‌آوردند و شبانگهان از اسلام بر می‌گشتند. درباره‌ی نقشه و عملکرد این منافقان خداوند می‌فرماید:

«وَ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَ أَكْفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ وَ لَا تُوْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبَعَ دِينَكُمْ فَلْ إِنْ أَلْهَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجَّوْكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ فَلْ إِنْ أَفْضَلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ وَ جماعتی از اهل کتاب گفتند: در آغاز روز به آنچه بر مؤمنان نازل شد ایمان بیاورید و در پایان روز انکار کنید شاید آنان از اسلام برگردند؛ و [گفتند] جز به کسی که دین شما را پیروی می‌کند ایمان نیاورید بگو: هدایت، هدایت خداست. مبادا به کسی نظیر آنچه به شما داده شده، داده شود یا در پیشگاه پروردگارتان با شما محاجه کنند بگو این تفضل به دست خداست آن را به هر کسی که بخواهد می‌دهد و خداوند گشایشگر داناست.» (آل عمران: ۷۲-۷۳)

این دو آیه به‌خوبی نشان‌دهنده تعصب اهل کتاب نسبت به آیین خود می‌باشد که عامل مهمی برای نفاق ورزیشان بوده است. علاوه بر دو آیه‌ی فوق، آیه‌ی ۱۰۷ سوره توبه و آیه ۸ سوره منافقون هم اشاره به تأثیر این انگیزه داشته‌اند.

بی تفاوت بودن و سرگردانی

بی‌هدف بودن در مسیر زندگی و ناتوانی در تصمیم‌گیری، بی‌تفاوتی و سرگردانی نسبت به حوادث سرنوشت‌ساز، سازگاری با همه عقاید اعم از حق و باطل نتیجه‌ای جز نفاق در پی نخواهد داشت. در سوره نساء این‌گونه بیان شده است:

«إِنَّ الْمُتَفَقِّهِينَ يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَىٰ يُرَاءُونَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا؛ منافقان، با خدا نیرنگ می‌کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند. با مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند» (نساء: ۱۴۲)

«مَذْذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَىٰ هَؤُلَاءِ وَ لَا إِلَىٰ هَؤُلَاءِ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا؛ میان آن [دو گروه] دو دلدند نه با اینانند و نه با آنان و هر که را خدا گمراه کند هرگز راهی برای [نجات] او نخواهی یافت.» (نساء: ۱۴۳)

واژه‌ی «مذذب» در این آیه اسم مفعول از ماده «ذبذب» به معنای صدای مخصوص است که به هنگام حرکت دادن یک شیء آویزان بر اثر برخورد با امواج هوا به گوش می‌رسد. (مکارم شیرازی، ۱۷۸/۴) از این تعبیر استنباط می‌شود که منافقان فاقد برنامه و هدفند و از این‌رو سرگردان و بی تفاوتند.

ایجاد انحراف و مانع در برنامه انبیاء (ع)

از برخی آیات چنین بر می‌آید که شیاطین در پیشبرد اهداف و اجرای برنامه‌های تمام پیامبران (ع) اولوالعزم و غیر آن اخلاص ایجاد می‌کردند. خداوند در این باره می‌فرماید:

و ل بعد از آن که نفاق شمشه ک دند، آن نور خاموش شد بنابراین دچار تراس و اضطراب و دلهره شدند. تشبیه منافق به شخص در باران مانده در آیه ۱۹ سوره بقره آمده: «أَوْ كَصَّبَ مِنَ السَّمَاءِ فِيه ظَلُمَاتٌ مَّرَعْدٌ وَّيْرَةٌ، يَخْعَلُونَ، أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُخِيطٌ بِالْكَافِرِينَ». یا چون [کسانی که در معرض] رگباری از آسمان که در آن تاریکها و رعد و برق است [قرار گرفته‌اند]؛ از [نهیب] آذرخش [و] بیم مرگ، سر انگشتان خود را در گوش‌هاشان نهند، و ل خدا ب کافران احاطه دارد.

در این مثال منافقان به دهگد از تشبیه شده‌اند که در شب تاریک باران تند، ب سر آنان مریاد که همراه با رعد و برق و صاعقه است. منافقان از تراس مرگ و با، اینکه صاعقه را نشنند انگشتان خود را در گوش‌هاشان مریادند و به دنبال نگاهار هستند. از این جهت هر گاه بقره بقره مریاد گام، ب مریادند و ل هر گاه خاموش مریادند سریع توقف می‌کنند و دچار دلهره، سرگردانی و اضطراب می‌گردند.

بیان ناپسندی عمل

از جمله آیاتی که در رابطه با نفاق نازل شده آیه ۸۱ سوره نساء است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّنُونَ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا» (و منافقان، روز نزد تو به زبان اظهار فرمان‌برداری کنند و چون از حضور تو دور شوند شبانه گروهی خلاف گفته تو را در دل گیرند و خدا اندیشه شبانه آنها را خواهد نوشت. پس ای پیغمبر از آنها روی بگردان و به خدا اعتماد کن که تنها خدا تو را نگاهار کاف است.

این آیه درباره نفاق، به اندر اخلاق، ب داختمه و ساز نموده نفاق در پیشگاه پروردگار کار پسندیده‌ای نیست از این طریق که اشاره به وضع جمعی از منافقان کرده و می‌گوید: آنها به هنگامی که در صف مسلمانان در کنار پیغمبر (ص) قرار می‌گیرند برای حفظ منافع و یا دفع ضرر از خویش با دیگران هم‌صدا شده و اظهار اطاعت فرمان پیامبر (ص) می‌کنند و می‌گویند با جان و دل حاضریم از او پیروی کنیم؛ اما هنگامی که مردم از خدمت پیامبر (ص) خارج شدند، آن دسته از منافقان و افراد سست ایمان گفته‌ها و پیمان‌های خویش را به دست فراموشی می‌سپارند و در جلسات شبانه تصمیم‌هایی بر ضد سخنان پیغمبر (ص) می‌گیرند. (مکارم شیرازی، ۴/ ۲۶) با توجه در این آیه بی می‌بریم که به هر اظهار وفاداری و ایمانی دلگرم نباشید، چرا که منافقان با چرب‌زبانی خود را مطیع جلوه می‌دهند همچنین منافقان، جلسات سری شبانه و تشکیلات گروهی دارند و از نقاط کور و تاریک استفاده می‌کنند، از توطئه‌های آنان نباید غافل بود و در برابر توطئه‌های سر، منافقان تنها ب خدا ناید تو کاف کرد. (قائمه، ۳۳۸/۲)

خداوند این آیه را با ساز ناسنده، عماد نفاق، احاد تدد و تزلزل در اندیشه منافقان، و دوی، مدم از نفاق نازل کرده است تا در جامعه وحدت و یگانگی حکم فرما شده و نیروهای پراکنده اجتماع به هم نزدیک شوند.

ف‌هنگ‌ساز،

بک از روش‌ها، قآن در ف‌هنگ‌ساز، استفاده از مفاهیم می‌باشد که برای مخاطبانش آشنا و ملموس باشد. آنچه بر اهمیت

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ؛ و پیش از تو [نیز] هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم جز اینکه هرگاه چیزی تلاوت می‌نمود شیطان در تلاوتش القای [شبهه] می‌کرد. پس خدا آنچه را شیطان القا می‌کرد محو گردانید. پس خدا آیات خود را استوار می‌ساخت و خدا دانای حکیم است. تا آنچه را که شیطان القا می‌کند برای کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و برای سنگدلان آزمایشی گرداند و ستمگران در ستیزه‌ای بس دور و درازند» (حج: ۵۲-۵۳)

نتیجه می‌گیریم از همان آغاز پیامبران با جریان سازمان‌یافته نفاق مواجه بوده‌اند چرا که منافقان به پیروی از وسوسه‌های شیطانی تلاش می‌کردند تا با توطئه و نیزنگ در راه پیامبران (ع) مانع ایجاد کنند اما خداوند طریقه‌ی خنثی کردن نقشه‌های شوم آنها را به خوبی می‌داند چرا که علیم و حکیم است.

تفرقه‌افکنی و ایجاد شکاف در صفوف مؤمنان منافقان با نقاب ایمان سعی می‌کنند صفوف یکپارچه‌ی مسلمانان را درهم بشکنند و در جامعه عقاید کفرآمیز را انتشار دهند؛ بنابراین تفرقه‌افکنی انگیزه‌ای قوی و هدفی متعالی برای نفاق ورزی منافقان به شمار می‌آید.

این عامل در قرآن کریم به این صورت بیان شده است:

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر (ص) او به جنگ برخاسته بود و سخت سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم [ولی] خدا گواهی می‌دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند.» (توبه: ۱۰۷)

د س و اژگان، که در وصف نفاق، منافق، ساز شده

شبهه و اژگان، آیات مربوط به نفاق، سانگ احوال واقع، منافقان، و نازات اب ضاء جامعه‌ها، است که منافقان، در شکا گام، آن نقش اساسی افما مکنند. در این قسمت به مهم‌ترین آن اشاره می‌کنیم:

تشبیه منافق به شخص طوفان‌زده

خداوند در آیه ۱۷ سوره بقره می‌فرماید: «مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْفَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ». مثل ایشان مانند کسی است که آتشی بی‌فروزد و همین‌که روشن کند پیرامون او را، خدا روشنی آنان را ببرد و رها کند ایشان را در تاریک‌ها، که هیچ نسنند.

در این آیه، منافق تشبیه شده است به شخص که با، دند، اطاف خود در سانا، تاریک آتش، را د ش، نموده است و ل خداوند به ناگاه طوفان مرفستد و آتش خاموش مریاد و آن شخص، در تاریکی رها مریاد و دچار دلهره، اضطراب، سگ‌داز، و حدت مریاد.

منافقان نیز مانند این شخص طوفان‌زده مریادند چرا که در ابتدا محیط زندگی آن‌ها بر اثر پذیرش اسلام و نور ایمان روشن بوده

می‌خواهد انسان‌ها را از راه راست به بیراهه‌های دوردستی بیافکند. (مکارم شیرازی، ۳/ ۴۴۶)

اصل امر و نهی از منکر

در قرآن کریم، آیات فراوانی با تعبیرات و آهنگ‌های مختلف، درباره امر به معروف و نهی از منکر، به چشم می‌خورد. در این میان آیات ۶۷ و ۷۱ سوره توبه ویژگی خاص دارند. در آیه ۷۱ آمده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وا می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنان‌اند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است.»

در این آیه خدا، تعالی، مرفرماند مؤمنان؛ در جامعه، اسلام، نسبت به یکدیگر از طرف خداوند، حق ولایت و نظارت هم‌راه با محبت دارند و در تقاضای نسیبند لذا امر به معروف و نهی از منکر که بر همه، مردان و زنان، با ایمان، واجب است، برخاسته از حق ولایت یکدیگر است. (قائمه، ۵/ ۱۰۴)

در آیه ۶۷ خداوند متعال در مقابله مؤمنان، از منافقان، سخن به میان می‌آورد و می‌نماید که آنها برعکس مؤمنان امر به منکر و نهی از معروف انجام نمی‌دهند.

ساز، سامدها، نفاق

حمت (فتا سازی، قرآن به بیان پیامدهای نفاق پرداخته که عبارات از:

عدم درک حقیقت

در آیه ۳ سوره منافقون خداوند این چنین فرموده‌اند: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَاتَمُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطَبَعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَأُصِّبُوا لَأَيُّ قَوْمٍ هَٰؤُلَاءِ سَبَّ أَسْتَأْذِنُ الَّذِينَ يَخَادُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذْلَىٰ؛ در حقیقت، کسانی که با خدا و پیامبر او به دشمنی برمی‌خیزند، آنان در [زمه] زبونان، خواهند بود.» (مجادله: ۲۰)

محرمت از رحمت و مغفرت خداوند و عدم قبولی استغفار در حق منافقان:

ذلت و زبون‌بودن

کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می‌کنند در زمه، خداوندین خلق خدا می‌باشند و سرنوشت حتمی آنها شکست و نابودی است. «إِنَّ الَّذِينَ يَخَادُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذْلَىٰ؛ در حقیقت، کسانی که با خدا و پیامبر او به دشمنی برمی‌خیزند، آنان در [زمه] زبونان، خواهند بود.» (مجادله: ۲۰)

علت آنکه منافقات شامی، رحمت و مغفرت الهی نمی‌شوند آن است که آنها به خدا و رسول او کفر و نیندند و ان کفر ناهوده نند استغفار، ناکه و ناده، نطف نمر شده، حنه نوده نند آن و کم و زیادش کفر ایشان را از بین نمی‌برد. (طباطبایی، ۳۵۲/۹)

«اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

الْفَاسِقِينَ؛ چه برای آنان آموزش بخواهی یا برایشان آموزش نخواهی [یکسان است، حتی] اگر هفتاد بار برایشان آموزش طلب کنی هرگز خدا آنان را نخواهد آمرزید، چرا که آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند.» (توبه: ۸۰)

تاه، اعمال

همانگونه که مردانم شرط قبول اعمال و هرگنه تلاش و کوشش، رضای، خداست. نناد ان. طبعه. است که اعمال کسان، که اصار در خشم خدا دارند و مخالف با رضای او هستند ناهد گدد و نادرست خال، و که نهار، عظمی از گناهان این جهان را وداع گویند. (مکارم شیرازی، ۲۱/ ۴۷۵)

«ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَاحْبِطْ أَعْمَالَهُمْ؛ زیرا آنان از آنچه خدا را به خشم آورده پیروی کرده‌اند و خرسندیش را خوش نداشتند پس اعمالشان را باطل گردانید.» (محمد: ۲۸)

سقط در حصنه و حادانه ده، در آ:

فده، که نه به اندر ناصحان، گوش فرا مدهد و نه به هشدارها، الهی، بلکه بسته با غرور و نخوت مخصوص، به خود، بخلافکار، هاش. مرفاند، چنین کسی را جز آتش دوزخ رام نمی‌کند. (مکارم شیرازی: ۷۵)

«أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن يَخَادِدُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ أَجْرُ الْعَظِيمِ؛ آیا ندانسته‌اند که هر کس با خدا و پیامبر او درافتد برای او آتش جهنم است که در آن جاودانه خواهد بود، این همان رسوایی بزرگ است.» (توبه: ۶۳)

روش مواجهه و برخورد با نفاق

همان‌طور که رفتار منافقان در جامعه‌ی اسلامی متنوع بوده و عناصر، عوامل و انگیزه‌های متنوع و متعدد در شکل‌گیری نفاق دخالت دارند، طبعاً شیوه‌ی مواجهه و برخورد با آن نیز متدرج و سیال می‌گردد. در این مقاله شیوه‌های برخورد با منافقان با دقت در ترتیب نزول آیات مربوط به نفاق، گردآوری شده است.

مدارا با منافقان

با مراجعه به جدول شماره (۲) و دقت در ترتیب نزول آیات متوجه می‌شویم که اولین مرحله‌ی برخورد با منافقان، مدارا و تحمل آزار و اذیت آنان و عدم برخورد فیزیکی با آنها می‌باشد. آیه ۴۸ سوره احزاب صبر، گذشت و عفو، توکل بر خدا و همراهی نمودن منافقین را به مثابه روش برخورد با آنها یاد می‌کند. «وَلَا تَطْعَمُ الْكُفْرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعِ أَذْنَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا؛ و کافران و منافقان را فرمان میر و از آزارشان بگذر و بر خدا اعتماد کن و کارسازی [چون] خدا کفایت می‌کند.»

ارشاد و انذار منافقان

در سوره‌ی مبارکه‌ی نساء روش تنبیه و تشویق سلبی و ایجابی در مواجهه با نفاق معرفی شده است و خداوند به رسولش رهنمود می‌دهد، در عین این‌که مواظب باشد تا از تأثیر منفی نفاق و منافقین در امان بماند، آنها را نصیحت نموده و به سوی خیرات فرا خواند و با استدلال استوار روشنگری نماید. «أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ

اللَّهِ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَ عَظُمُوهُمْ وَ قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا؛ اِنان همآن کسانند که خدا می‌داند چه در دل دارند. پس از آنان روی برتاب، [ولی] پندشان ده و با آنها سخنی رسا که در دلشان [مؤثر] افتد، بگویی. (نساء: ۶۳)

برخورد شدید با منافقان

در برخورد با منافقان چنانچه مدارا و ارشاد و انذار کارساز واقع نشد، باید با آنها برخورد قاطعانه و شدید شود تا اینکه امنیت جامعه‌ی اسلامی حفظ شود و هم این برخورد و مجازات درس عبرتی باشد برای کسانی که با نفاق خود قصد خیانت به کیان اسلامی را دارند که این برخورد به دو روش صورت می‌گیرد:

طرز کردن و منزوی نمودن منافقان از جامعه

آیه ۷۳ سوره مبارکه‌ی توبه تحت فشار قرار دادن و تحریم و محدودسازی مناسبات و تعاملات را از شمار روش مواجهه با نفاق معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَاْمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَاَبْسَ الْأُمْتَارُ» ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت بگیر و جایگاهشان دوزخ است و چه بد سرانجامی است. «همچنین قرآن کریم اشاره داشته به منزوی کردن منافقان از طریق معرفی هویت منافقان و لعن آنان، بی‌اعتنایی به منافقان و تهدید آن‌ها، عدم واگذاری پست‌های حساس به منافقان.

تهدید نمودن منافقان به قتل

قرآن کریم، آن دسته از منافقان را که با توطئه‌های خویش برای براندازی اسلام، کوشش می‌کردند مورد تهدید قرار داده و می‌فرماید: «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يَبْهَجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَاَلَّا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا وَاَلَّا تَنْصِرُوا؛ همان‌گونه که خودشان کافر شده‌اند، آرزو دارند [که شما نیز] کافر شوید تا باهم برابر باشید. پس زنهار، از میان ایشان برای خود، دوستانی اختیار نکنید تا آنکه در راه خدا هجرت کنند. پس اگر روی برتافتند، هرکجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان و از ایشان یار و یوری برای خود مگیرید.» (نساء: ۸۹) باید در نظر داشت قتل به‌عنوان آخرین راه‌حل و یا روش برخورد در مقابل اقدامات براندازانه‌ی آنها، پس از کار فرهنگی و تربیتی و تحقیق و آگاهی همه‌جانبه مجاز می‌شود.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به بررسی شیوه گفتن‌سازی و اقدامات قرآن به‌صورت تدریجی و گام‌به‌گام در راستای مبارزه با نفاق برای رسیدن به تربیت روحی پرداخته شد و نتایج زیر حاصل گشت:

(۱) یکی از موضوعات بنیادی در قرآن مجید، رسیدن به تکامل انسانی است که آموزه‌های تربیتی قرآن بهترین راه دست‌یابی به این تکامل را فرا روی بشر گشوده است.

(۲) جهت ایجاد تغییر در فرهنگ رایج جامعه، ابتدا بایستی گفتن‌سازی صورت گیرد؛ زیرا برای تغییر در باورها و دیدگاه‌های مردم باید ابتدا در ذهن آن‌ها دغدغه ایجاد کرد سپس به تبلیغ و جایگزینی گفتن‌های جدید پرداخت، در این صورت است که می‌توان انتظار تغییر فرهنگ و تجلی آن در رفتار مردم را داشت، همچنان که شیوه قرآن چنین است.

(۳) روش قرآن در گفتن‌سازی در جهت مبارزه با نفاق، روشی با برنامه، تدریجی و گام‌به‌گام است. در نتیجه برای اینکه تغییری اساسی در جامعه شکل گیرد نیاز به برنامه‌ریزی و گام‌های تدریجی است و اقدامات بی‌برنامه و سریع نمی‌تواند تأثیری عمیق و پایدار داشته باشد.

(۴) مراحل گفتن‌سازی قرآن در جهت مبارزه با نفاق شامل مراحل زیر است: تشخیص و مسئله‌شناسی، فرهنگ‌سازی، تبلیغ گفتن‌های جدید، بیان پیامدهای نفاق و شیوه‌ی برخورد با منافقان.

(۵) از مهم‌ترین مراحل یک گفتن‌سازی موفق می‌توان اشاره کرد به: برجسته نمودن نقاط ضعف دیدگاه رایج جهت ایجاد تغییر در فرهنگ عمومی مردم، تبلیغ و الگوسازی گفتن‌های جدید، ارائه‌ی راه‌کارهای جدید و واقع‌بینانه.

منابع

1. Abdulmaleki, J., & Kh, A. (2011). Citizenship education in the secondary education system outputs. *Culture Journal*, No. 55&56.
2. Adib, Y., & et al. (2010). The role of religious education in the achievement of world peace, *Cultural Engineering Journal*, No. 47&48.
3. Adiban, M. (2008). *Collecting and Categorizing Public Culture Issues in Iran*: Supreme Council.
4. Ahmadi, N. (2005). The role of the media in promoting citizenship rights. *Public Culture Journal*, No. 42.
5. Ahmadnia, Sh. (2017). A sociological study of the virtual social networks effects on family relationships. *Prevention Approaches Scientific Journal*, (1), 21–34.
6. Amuee, M. (2010). Ethics and societies. *People's Magazine*, October & November.
7. Articles of the Iranian Islamic Progress Model Conference (2013). Tehran: Institute for Research in Culture and Islamic Thought, 6 vol.
8. Articles of Social Capital and Development in Iran Conference (2013). Tehran: Institute of Higher Education and Research Management and Planning.
9. Articles of the Social Behavior Patterns Conference in the Holy Quran (2010). Azad Shahr: Islamic Azad University.
10. Azimi, R. M., & Abedzadeh, N. M. (1392). Investigating the affecting factors on the emotional divorce in couples in the family. *Iranian Sociological Studies*, 3 (10), 31–46.
11. Baker, J., S. (2003). *Social Capital and Management*. Translated by Mehdi Alvani. Tehran: Cultural Research Office.
12. Bakhtiari, A., & Nasiri, B. (2016). The investigation of the social media impact on Iranian family lifestyle with emphasis on the social media

27. Jafari Harandi, R., & et al. (2010). Investigating the globalization ratio with citizenship education. *Cultural Engineering Journal, No. 52&51*.
28. Khorshidian, R., & et.al. (2014). Role of media in guiding public culture. *Culture Media Journal, No. 2*.
29. Kiani, M. (2014). *Internet and Virtual Networks*. Tehran: Sedaghat.
30. Kush, D. (2013). *The Concept of Culture in the Social Sciences*. Translated by Feridoon Vahida. Tehran: Soroush Publications.
31. Mahdavi, K. Mohammad, S. (2005). *Religion and Lifestyle*. Imam Sadegh University: PhD thesis.
32. Moren, E. (2003). *Human Identity*. Translated by Amir Nikpay. Tehran: Ghasideh Sara.
33. Mozaffarinia, S. & Ghasemipour, M. (1396). Investigating the relationship between lifestyle and emotional divorce in Ilam. *Ilam Culture Journal, 18* (56 & 57), 171–191.
34. Paya, A. (1998). Revive planning of scientific thinking in public culture. *Rahyaf Quarterly, 18*.
35. Pishgahzadeh, A. (2009). Internet interaction and its impact on public culture. *Cultural Research Journal, No. 7*.
36. Rajabzadeh, A. (1996). An introduction to the public culture concept. *Public Culture Journal, No. 7*.
37. Rastegar, Y. (2009). *Sociological Study of Affecting Factors on Youth Lifestyle*. Isfahan University: M.Sc Thesis.
38. Rezaeizadeh, M. (2010). Fundamental assumptions of culture. *Cultural Engineering Journal, No. 12*.
39. Rouhani S. J. & Zorawati, M. (2008). *The Religious Value of Islam and Social Capital*. Tehran: Research and Human Development Institute.
40. Sadeghzadeh G. A. & Ahmadifar, M. (2010). Challenges and opportunities for religious education in the age of globalization. *Cultural Engineering Journal, No. 46*.
41. Safareh, H. (2015). *The Role of Modeling in Promoting Public Culture from the Perspective of the Qur'an*. Articles of First National Qur'an Conference on the Development of the Humanities.
42. Taherpour, M. S. (2010). Strategies for strengthening hijab and chastity in society. *Cultural Engineering Journal, No. 46&45*.
- risks and damages. *Urban Management Journal, 15* (45), 475–488.
13. Bourdieu, P. (2005). *Forms of Social Capital in Social Capital, Trust, Democracy and Development in Iran*. Tehran: Research and Development of Humanities Institute.
14. Central Ministry (2015). *Assessing Iranian Social Capital, Ardabil Province*. Tehran: Institute of Culture, Art and Communication.
15. Chitsaz, M. A., & Salek, S. (2015). Sociological study of the new virtual networks effects on the individual and social life. *Cultural Engineering Journal, 10* (86), 105–126.
16. Clementine, K. (2005). Towards the sociology of security. Translated by Mohammad Ali Ghasemi. *Quarterly Journal of Strategic Studies, No. 2*.
17. Coen, B. (1999). *Sociology Basics*. Translation by Gholam Abbas Tavassoli & Fazel. Samt Publications.
18. Delshad T. M. (2015). *The Lifestyle of the Supreme Prophet (PBUH)*. Qom: Maaref publication.
19. Eftekhari, A. A. (2002). *Article Collections of the Media Conference on Political Stability*. Tehran: Political Studies Institute.
20. Fallahi, A. (2016). Qualitative and quantitative analysis of the virtual social networks impact on family structure. *Women & Family, 11* (35), 151–170.
21. Gay, R. (1991). *Social Action*. Translated by Homa Zanjani. Mashhad: Ferdowsi University.
22. Giddens, A. (1998). *The Consequences of Modernity*. Translated by Mohsen Salasi. Tehran: Markaz Publications.
23. Giddens, A. (2004). *Abandoned World*. Translated by Ali Asghar Saeedi. Tehran: Toseh Publications.
24. Giddens, A. (2005). *Sociology*. Translated by Manouchehr Sabouri. Tehran: Ney Publications.
25. Hafeznia, M. R. (1390). The geopolitical conceptualization of the internet and cyberspace. *Geopolitics, 7* (1), 1–13.
26. Hosseinpour, J., & Arabmomeni, A. (2017). The impact of virtual social networks on family entity identity. *Welfare and Social Development Planning Journal, 8* (32), 33–60.